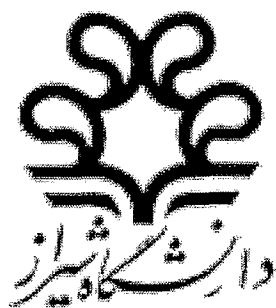


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ - گرایش اسلام

جنبش زنان ایران و مصر بعد از جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی ایران

به وسیله‌ی:

یاسمن یاری

استاد راهنما:

دکتر حسین پور احمدی ♦ ۱۳۸۸/۱۱/۲

کتابخانه‌های دانشگاه شیراز
تیم کتابخانه

شهریور ۱۳۸۸

۱۳۲۰۶۵

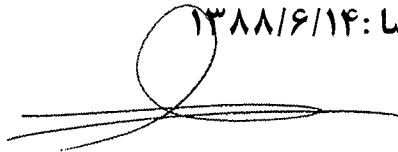
به نام خدا

اظهار نامه

اینجانب یاسمن یاری دانشجوی رشته تاریخ، گرایش تاریخ اسلام دانشکده علوم انسانی دانشگاه شیراز، اظهار می دارم که این پایان نامه حاصل پژوهش اینجانب بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن درج کرده ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: یاسمن یاری

تاریخ و امضا: ۱۳۸۸/۶/۱۴



به نام خدا

جنبش زنان ایران و مصر بعد از جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی ایران

به وسیله:

یاسمن پاری

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی
لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

تاریخ

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر حسین پور احمدی، استادیار بخش تاریخ (رئیس کمیته)

دکتر سعید زاهد، استادیار بخش علوم اجتماعی

دکتر محمد مهدی مرادی خلج، استادیار بخش تاریخ

تقدیم به:

تقدیم به پدرم مردی که آزادی و عشق به دانش و وطن به من آموخت

سپاسگزاری

قادر متعال را سپاس می‌گویم که به بنده توفیق داد تا در زندگی‌م به مرحله دیگری از تحصیل گام بردارم.

اکنون که این رساله به پایان رسید بر خود لازم می‌دانم صمیمانه از استاد اهنمای گرانقدر و فرزانه جناب آقای دکتر حسین پور احمدی که صبر و حوصله به خرج دادند و با راهنمایی‌های عالمانه خود هدایت گر اینجانب در نگارش این رساله بودند تشکر و قدردانی کنم. همچنین از اساتید مشاور آقایان دکتر محمد مهدی مرادی خلج و دکتر سعید زاهد که با مساعدت‌های خردمندانه خود در تدوین هر چه بهتر رساله یاری‌گر بودند و از هیچ کوششی دریغ نوزیدند کمال تشکر را دارم.

چکیده

جنبش زنان ایران و مصر بعد از جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی ایران

به کوشش:

یاسمن یاری

تلاش زنان در جهت کسب حقوق اجتماعی بیشتر و داشتن جایگاه اجتماعی برابر با مردان ابتدا در کشورهای صنعتی اروپایی آغاز گردید و نام جنبش زنان به خود گرفت. پس از آن و با فاصله کمی این موضوع در کشورهای اسلامی خاورمیانه نیز مطرح گردید و به ویژه از سوی طبقه روشنفکر جامعه مورد استقبال قرار گرفت. با بررسی جنبش زنان در دو کشور اسلامی و شرقی ایران و مصر در بین سال‌های ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م یعنی پایان جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م و شروع انقلاب اسلامی ایران می‌توان به چشم اندازی از تأثیر این تحفه غرب در کشورهای شرقی - اسلامی و چگونگی برخورد این جوامع با آن دست یافت. در همین راستا جنبش زنان ایران و مصر را در تعامل با جریان‌های سیاسی در این کشورها در زمان مورد نظر؛ یعنی ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم و در آخر، اسلام‌گرایی، به ویژه در دهه هفتاد میلادی دهه پنجاه شمسی، بررسی می‌کنیم. جنبش زنان در ایران و مصر در پی تحولات و تغییرات بنیادینی که در قرن بیستم موجب دگرگونی‌های بسیاری در جامعه شد؛ پیش آمد و خود تا حدود زیادی نتیجه همین تحولات بود. ایران در جریان انقلاب اصلاح-طلبانه مشروطیت، و مصر در تلاش جهت استقلال کشور، جنبش زنان در هر دو این کشورها از جریان‌های ناسیونالیستی، کمونیستی و سوسیالیستی و اسلام‌گرایی، تأثیر پذیرفت. اما این تأثیر در هر کدام از این کشورها متفاوت بود. گروهی از زنان فعال در جنبش زنان ایران، که عقاید کمونیستی یا سوسیالیستی داشتند؛ فعال‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین گروه، محسوب می‌شدند. در حالی که در مصر چنین اتفاقی در مورد زنان ناسیونالیست و سکولار رخ داد. جنبش زنان ایران تأثیر بیشتری از اسلام‌گرایی گرفت و این به این دلیل بود که اسلام‌گرایان توانستند طومار سلطنت را در این کشور برچینند و حکومتی نوینی بر اساس اعتقادات اسلامی بر پا سازند؛ در حالی که در مصر نتوانستند تغییر بنیادی ایجاد کنند و در نتیجه تأثیر اسلام‌گرایان بر جنبش زنان مصر نیز نسبت به ایران چندان چشمگیر نبود.

این پایان نامه به دو بخش ایران و مصر و بخش‌هایی مقایسه این دو جامعه تقسیم شده است. در مورد ایران در ابتدا تاریخچه‌ای از جنبش زنان پیش از جنگ جهانی دوم مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی جنبش زنان پس از جنگ جهانی دوم مطلب در دو فصل یکی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ و کودتای ۲۸ مرداد و دیگری از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی گنجانده شده است. در مورد مصر نیز ابتدا تاریخچه‌ای از جنبش زنان تا پیش از جنگ جهانی دوم مورد بررسی قرار گرفته و سپس به بررسی جنبش زنان در این کشور بعد از جنگ جهانی دوم پرداخته شده است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : مدخل

۱	۱-۱ مقدمه.....
۳	۲-۱ کلیات تحقیق.....
۳	۱-۲-۱- روش تحقیق.....
۳	۲-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴	۲-۳- اهداف تحقیق.....
۴	۲-۴- پیشینه تحقیق.....
۵	۲-۵- ۱-سؤالات.تحقیق.....
۵	۲-۶- فرضیات تحقیق.....
۶	۲-۷- تعریف جنبش زنان.....
۱۲	۳- معرفی منابع و مأخذ.....

فصل دوم: چگونگی شکل گیری جنبش زنان در ایران

۲۲	۲-۱:وضع اجتماعی،سیاسی وفرهنگی زنان در دوره قاجاریه.....
۲۸	۱-۱-۲-انجمن های زنان.....
۳۴	۲-۱-۲-نشریات زنان.....
۳۷	۱-۲-آموزش زنان.....
۴۰	۲-۲: وضعیت اجتماعی- سیاسی و فرهنگی زنان در دوره پهلوی.....
۴۶	۲-کشف حجاب.....
۵۰	۲-تحولات در وضعیت اجتماعی،فرهنگی و سیاسی زنان.....

فصل سوم: جنبش زنان ایران در دوره پهلوی دوم طی سال های ۱۳۲۰-۱۳۳۲

۵۴	۳-۱- جریان ها کمونیستی و جنبش زنان.....
----	---

۳-۱-۱-تشکیلات زنان ایران.....	۶۰
۳-۱-۲-سازمان زنان ایران.....	۶۳
۳-۲- ملی گرایی و جنبش زنان ایران.....	۶۷
۳-۲-۱-حزب زنان ایران.....	۶۹
۳-۲-۲- جمعیت زنان ایران.....	۷۲
۳-۳- اسلام گرایی و جنبش زنان ایران.....	۷۵
۳-۴- تحولات در وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان در بین سال های ۱۳۲۰-	
۱۳۳۲.....	۷۷

فصل چهارم: جنبش زنان ایران در دوره پهلوی دوم از ۱۳۳۲-۱۳۵۷

۴-۱- شورای عالی زنان.....	۸۱
۴-۲- سازمان زنان ایران.....	۹۰
۴-۳- تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان در سال های ۱۳۳۲-۱۳۵۷.....	۹۸
۴-۴- اسلام گرایی و جنبش زنان.....	۱۰۳

فصل پنجم: چگونگی شکل گیری جنبش زنان در مصر

۵-۱- مطرح شدن بحث حقوق زنان در مصر و جهان اسلام.....	۱۱۱
۵-۲- جنبش ملی گرایی مصر و آغاز جنبش زنان در آن کشور.....	۱۱۶
۵-۳- تحولات در آموزش زنان مصری.....	۱۲۵
۵-۴- نشریات زنان در مصر.....	۱۲۸

فصل ششم: جنبش زنان مصر از ۱۳۱۴ش/۱۹۳۶م و استقلال مصر تا ۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م

۶-۱- جنبش زنان و چپ گرایی.....	۱۳۴
۶-۲- اسلام گرایی و جنبش زنان.....	۱۳۸
۶-۳- جنبش زنان مصر و رویکردی جدید به مسأله زن.....	۱۴۳
۶-۴- تحولات در وضعیت زنان.....	۱۴۶

فصل هفتم: مقایسه جنبش زنان مصر و ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا انقلاب

اسلامی ایران

۱-۷- مقایسه چگونگی شکل گیری جنبش زنان در ایران و مصر ۱۵۲

۲-۷- جنبش زنان و گروه های چپ در ایران مصر ۱۵۵

۳-۷- اسلام گرایی و جنبش زنان در مصر و ایران ۱۵۷

نتیجه ۶۰

فهرست منابع و مآخذ ۱۶۴

فصل اول: مدخل

۱-۱ مقدمه

خاورمیانه منطقه ای در مجاورت اقیانوس های اطلس و هند است و پنج دریای مدیترانه، سرخ، خزر، سیاه و خلیج فارس در داخل آن قرار دارند، که نقش مهمی در تسهیل راه های ارتباطی دارند؛ این دریاها عموماً در تجارت محلی و بین المللی مورد استفاده قرار می گیرند؛ و در عین حال، صحنه کشمکش های دریایی و نظامی، به منظور کنترل راه های اصلی تجارت نیز بوده اند. همین امر این منطقه را به منطقه ای با اهمیت جهانی تبدیل کرده است.

در یک طرح از مناطق ژئواستراتژیک جهان؛ که در آن خاورمیانه همراه با مصر، سودان و بخشی از لیبی «کمر بند شکننده ی خاورمیانه» معرفی شد. کمر بند شکننده بدین صورت تعریف شد که: «یک منطقه وسیع با موقع استراتژیک ... اشغال شده توسط دولت های در حال کشمکش. که بین منافع متضاد و قدرت های بزرگ گیر کرده است». (درایسول، ۱۳۷۳: ۳۷) حتی هالفورد مکنیدز، معتقد است که برای آن که یک امپراتوری جهانی تشکیل دهیم باید بر منطقه خاورمیانه تسلط داشته باشیم. (همان: ۳۶)

ایران و مصر در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه واقع شده اند و این موضوع موجب اهمیت یافتن این کشورها در جهان شده است. این کشورها مورد توجه ویژه قدرت های بزرگ هستند و در نتیجه ابرقدرت ها تلاش مستمر برای نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در این دو کشور داشته و دارند تا بتوانند از این طریق بر منطقه تسلط یابند.

از سوی دیگر این دو کشور، به مانند اکثر کشورهای خاورمیانه دارای اکثریت مسلمان هستند؛ و دین اسلام به دلیل موقعیت برجسته ای که در منطقه خاورمیانه داراست، یک نیروی وحدت بخش در بین کشورهای این منطقه به شمار می آید و فرهنگ این کشورها به طور بنیادی اسلامی است و این امر موجب شباهت زیاد روند جنبش های اجتماعی از جمله جنبش زنان در این کشورها شده است. نوال سعداوی در مورد شباهت و اشتراک فرهنگی مردم ایران و مصر می نویسد:

"اگر چه ایرانیان به زبان دیگری جز عربی سخن می گویند، ولی من هرگاه که با مرد و زن ایرانی برخورد کرده ام این احساس را که خلق ایران با خلق مصر و بلکه همه خلق های عرب و یا مسلمان پیوند خویشاوندی نزدیک دارد؛ عمیقاً در خود احساس کرده ام. روابط فرهنگی،

تاریخی، جغرافیایی و انسانی زیادی خلق ایران را با خلق های عرب پیوند می دهد." (سعداوی، ۱۳۵۹: ۶)

ویژگی های مشترک یاد شده، موجب شد که این کشورها با مسائل مشترکی در زمینه های اجتماعی و سیاسی روبه رو شوند؛ بویژه از ابتدای قرن نوزدهم که جوامع خاورمیانه دستخوش دگرگونی های اجتماعی عمیقی شدند. سلطه اقتصادی غرب و ظهور اقتصاد جهان سرمایه داری، تأثیر فرهنگ غرب در منطقه خاورمیانه و سلطه غیررسمی و یا عملی و رسمی دولت های استعمارگر غربی در بخش های وسیعی از خاورمیانه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و حتی تاکنون که در قرن بیست و یکم قرار داریم، موجب تحولات و رخدادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کم و بیش مشترکی بین کشورهای منطقه شده است؛ که این دگرگونی ها و تحولات در کشورهای بزرگ و مهمی چون ایران، ترکیه و مصر، نمود و اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

ایجاد اندیشه های ناسیونالیستی؛ رسوخ عقاید سوسیالیستی و کمونیستی و ترویج آن از سوی شوروی، در جهت نفوذ سیاسی در کشورهایی چون، ایران و مصر، بسیاری از رخدادها و وقایع جامعه را تحت تأثیر قرار داد. اسلام گرایی، واکنشی جدی در مقابل تلاش غرب برای از بین بردن فرهنگ و سنت های جوامع اسلامی و سیاست های استعماری شد. اوج جنبش های اسلام گرا را می توان در دهه هفتاد میلادی / پنجاه شمسی مشاهده کرد؛ یعنی، زمانی که اخوان المسلمین بعضی از کشورهای اسلامی مانند مصر را درنوردیده بود و داعیه مبارزه با مظاهر امپریالیستی را داشت. در ایران نیز اسلام گرایان انقلاب عظیمی به راه انداختند که برای همیشه طومار حکومت های پادشاهی را پس از دو هزار و پانصد سال در هم پیچد.

جنبش زنان در ایران و مصر نیز از جریان های سیاسی فوق، متأثر شد و این تأثیر اشتراکاتی بین جنبش زنان ایران و مصر به وجود آورد. در این پایان نامه سعی شده است که جنبش زنان ایران و مصر به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و سپس مورد مقایسه تطبیقی واقع شود. در این بررسی چگونگی شکل گیری جنبش زنان در این کشورها، مورد تحقیق قرار گرفته و پس از آن به بررسی تأثیر جریان هایی مانند ملی گرا، کمونیسمی و سوسیالیسمی و اسلام گرایی بر جنبش زنان پرداخته می شود. سپس جنبش زنان در این دو کشور مورد مقایسه قرار گرفته و ویژگی های مشترک و تفاوت های هر کدام مورد کنکاش قرار می گیرد.

از آنجا که شناخت و بررسی جنبش زنان بدون آگاهی کامل از پیشینه این جنبش امکان پذیر نیست، بنابر این در این تحقیق پیشینه ای از جنبش زنان در ایران و مصر در فصل های مربوط به هر کدام، آورده شده است و سپس به بررسی این جنبش ها پرداخته می شود. فصل ها بر اساس تحولات سیاسی مهم در دوره مورد بحث تقسیم بندی شده اند و موضوعات مد نظر پایان نامه در این فصل ها گنجانیده شده است. کار با جنبش زنان در ایران

آغاز می گردد و سپس جنبش زنان در مصر و در آخر نیز به مقایسه این دو جنبش بر اساس فرضیات مطرح شده پرداخته می شود.

۲-۱- کلیات تحقیق

۱-۲-۱- روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه ای و سند پژوهی با تأکید بر متون و منابع تحقیقی استفاده شده است. در مورد مصر به علت دسترسی نداشتن به منابع اصلی بیشتر به مقالات تحقیقی مندرج در مجلات علمی تکیه شده است. سامان تحقیق با مطالعه کتاب های موجود مربوط به جنبش زنان به صورت مجزا در دو کشور ایران و مصر آغاز گردید و در مرحله بعد به مقایسه آنها پرداخته شد. در این راستا به روش معمول در تحقیق، ابتدا براساس طرح مقدماتی تحقیق، فیش برداری انجام شد. سپس فیش های تهیه شده دسته بندی گردید و پس از تجزیه و تحلیل داده ها به تدوین مطالب پرداخته شد.

روش تحقیق در این مطالعه روش تطبیقی است که در آن جنبش زنان را در دو جامعه ایران و مصر مورد مقایسه قرار می دهیم تا وجوه اشتراک و اختلاف آنها را روشن سازیم. در مطالعات تطبیقی می باید دو سطح متناظر جهت تطبیق انتخاب شود و تلاش گردد تا وجوه اشتراک آن دو موضوع به دست آید. پس از بدست آوردن وجوه اشتراک می توان حول محور هر یک از این وجوه، اختلافات را در دو موضوع مورد بررسی بدست آورد و نسبت به یکدیگر مورد سنجش قرار داد. اگر هر یک از وجوه اشتراک قابل تقسیم به واحدهایی از جنس خودش باشد عمل سنجش نیز دقیق تر صورت خواهد پذیرفت. (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۶: ۳)

در این مطالعه جنبش زنان ایران و مصر را در یک مقطع زمانی خاص مورد بررسی قرار دادیم. از آنجا که جنبش زنان در هر دو این جوامع با مسائل سیاسی مانند جریانات کمونیستی، ناسیونالیستی و اسلام گرایی رابطه نزدیک پیدا کرده و از این جریانات تأثیر پذیرفته اند بنابراین وجوه مشترک در دو جامعه مورد نظر را بررسی جنبش زنان در این سه جریان اصلی سیاسی در نظر گرفته و مورد قیاس قرار داده ایم.

۲-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق:

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه ای را تشکیل می دهند و نقش برجسته ای در کلیه امور اجتماعی دارند. این نقش در گذشته بیشتر در محیط خانه تجلی می یافت و امروزه با گسترش فرهنگ مدرنیته به خارج از خانه و در نتیجه به کلیه نظام های اجتماعی اعم از اقتصادی و فرهنگی و سیاسی کشیده شده است. مکتب های به وجود آمده در دوران مدرن هر یک به گونه

ای نقش زنان را در جامعه تعریف کرده و برای آنان حق و حقوق ویژه ای قائل هستند. مکتب اسلام نیز تعریف خاص خود را دارد و برای زنان حقوق خاصی در نظر گرفته است. ورود مدرنیته در کشور های اسلامی موجب عکس العمل معتقدین به اسلام شد و در مقابل نوآوری های آنان به خصوص در مورد زنان، مسلمانان نیز به ارائه طرح های جدید پرداختند. رواج مکاتب گوناگون رشد یافته در دوران مدرن، از قبیل ناسونالیسم و سوسیالیسم و غیره، با وجود حرکت های اسلامی در کشور های اسلامی شرایطی را برای زنان به وجود آورد که هر یک با الهام از یکی از این مکاتب به پی گیری حقوق خویش پردازند. بررسی میزان تأثیر پذیری جنبش زنان در کشور های اسلامی از مکاتب مختلف، و چرایی آن، به ما کمک می کند تا در راستای احقاق حقوق این قشر عظیم اجتماعی گام های مؤثر تری برداریم. قشری که در طول تاریخ مورد اجحاف و ظلم های متعدد قرار گرفته است.

بررسی میزان و علل موفقیت یا نا کامی جنبش زنان در دو کشور ایران و مصر در یک مطالعه تطبیقی از این جهت اهمیت دارد که ما را به ریشه های دست نیافتن زنان به جایگاه واقعی خود در این کشورها در دوران مورد بررسی آگاه می سازد.

در این کشورها فعالیت های زنان در برابر استعمار غرب، مبارزه برای تغییر قانون اساسی و قانون کار و خانواده و غیره زمینه های مناسبی برای جنبش زنان به وجود آورد و جنبش زنان را ایجاد کرد، (Smith, 2000, p.1) بررسی زمینه های فکری و مکتبی می تواند به شناخت هر چه بیشتر جنبش زنان در این جوامع کمک کند.

بعلاوه از آنجا که دولت های مسلمان با تمسک به مولفه واحد فرهنگ اسلامی نسبت به جریان های نوین اسلامی، لیبرالیسم و کمونیسم موضع نشان داده اند شناسایی دو سوبه مواضع زنان در این جریان ها نیز ضرورت بررسی را باز تاب می دهد.

۳-۲-۱- هدف تحقیق

هدف از این تحقیق بررسی و سپس مقایسه جنبش زنان در دو کشور ایران و مصر است. بررسی تلاش های زنان در جهت کسب موقعیت های بهتر و دست یابی به موقعیت اجتماعی برابر با مردان در زمینه مشارکت سیاسی و اجتماعی است. چگونگی تأثیر جریان های سیاسی بر جنبش زنان در کشورهای اسلامی ایران و مصر در سال های بعد از جنگ جهانی تا سال ۱۳۵۷ش / ۱۹۷۹م و میزان موفقیت جنبش زنان در این دو کشور با بررسی دگرگونی در موقعیت زنان در زمینه های سیاسی و اجتماعی از اهداف این پژوهش است.

۴-۲-۱- پیشینه تحقیق

در مورد جنبش زنان در ایران کتاب های زیادی در سال های اخیر به رشته تحریر در آمده است که بیشتر به موضوع زنان و مبارزه ی ایشان از دوران مشروطیت تا کنون در ایران مربوط

می شود. برخی کتاب ها مانند: انجمن های سری زنان در نهضت مشروطیت نوشته ژانت آفری، جنبش زنان در ایران اثر سعید زاهد، زن ایرانی در نشریات مشروطه تألیف غلام رضا وطن دوست... که به بررسی انجمن های ویژه زنان، نشریات زنان و جنبش زنان در ایران پرداخته اند از این موارد هستند. علاوه بر این زندگینامه های زنان و همینطور آماری که در مراکز مطالعات زنان در مراکز مختلف دانشگاهی بدست آمده در این رابطه بسیار ارزشمند است. در مورد جنبش زنان در مصر، برخی کتاب های لاتین در این زمینه حاوی مطالب با ارزشی هستند مانند:

Beck,Lois;Keddie,Nikkie, Women in the Muslem world.

Kandiyati,Deniz..Women,Islam &the states .

Ahmed,Leila, Women and Gender in Islam....

همچنین از مقالاتی که بیشتر در منابع لاتین است و دارای مطالب با ارزشی در مورد این پژوهش است می توان استفاده کرد این مقالات که بیشتر اینترنتی هستند کمک خوبی در انجام این تحقیق می کنند بخصوص آمارهایی که در سایت های مخصوص زنان در مورد بهداشت، آموزش و مشارکت سیاسی موجود می باشد

۵-۲-۱-سوالات تحقیق

- ۱- جنبش زنان در این کشورها به چه شکل و از چه زمانی آغاز گردید؟
- ۲- رابطه اسلام گرایان و جنبش زنان چگونه بوده است؟
- ۳- فعالیت های ملی گرایان چه تأثیری بر جنبش زنان در این کشورها داشت؟
- ۴- نقش حزب های کمونیستی در این کشورها در مورد مسأله زنان در دوره مورد نظر چه بوده است؟
- ۵- جنبش زنان در هر کدام از این کشورها در زمینه های سیاسی و اجتماعی تا چه حد موفق بوده است و علل موفقیت یا ناکامی آنها چه بوده است؟

۶-۲-افرضیات تحقیق

- ۱- در هر دو این کشورها فعالیت های ضد استعماری و ضد استبدادی زمینه ساز ورود زنان مبارز به عرصه اجتماع و شناخته شدن توانایی های زنان از طرف جامعه شد و باعث ایجاد جنبش زنان گشت اگر چه به هیچ وجه نباید تأثیر روحانیون و روشنفکران چون محمد عبده، طهطاوی، شهید مرتضی مطهری، علی شریعتی و دیگران را در بیداری جوامع اسلامی فراموش کرد
- ۲- اسلام گرایان در دهه هفتاد نقش مؤثری در جنبش زنان و مبارزات ایشان بر ضد تبعیض ها ایفا کردند.

۳- در هیچ یک از این کشورها جنبش زنان به صورت یک پدیده اجتماعی مستقل و دارای ایدئولوژی تعریف شده توسط زنان عمل نکرد بلکه کاملا وابسته به قدرت مردان و به عنوان یک حرکت وابسته به جریانات غالب در این کشورها بود. با این حال میزان موفقیت انجمن های زنان که روشهای اعتدالی داشتند بیشتر از دیگر انجمن ها بود که این گروه ها بیشتر از گروه های ملی گرا یا طرفدار ملی گرایان بودند.

۴- گروه های کمونیست در جنبش زنان هیچ کدام از این کشورها موفق عمل نکرد
۵- در بین این دو کشور، مصر با وجود داشتن نهضت زنان بسیار کارآمد عملا نتایج کمتری در این زمینه کسب کرد که شاید علت آن همکاری نکردن دولت ها و برآورده نکردن خواسته های زنان باشد.

۷-۲-۱- تعریف جنبش زنان

پیش از ورود به بحث بعدی در اینجا لازم است توضیحاتی پیرامون تعریف جنبش و بویژه جنبش زنان ارائه گردد و این موضوع که آیا می توان مبارزات زنان در جهت کسب حقوق اجتماعی بیشتر، در جامعه ایران و مصر را جنبش نامید یا خیر؟

در پاسخ به سوالی که در بالا مطرح گردید، در اولین قدم لازم است، جنبش های اجتماعی تعریف شود و در مرحله بعد بررسی شود که آیا مبارزات زنان ایران و مصر، برای کسب حقوق مساوی با مردان، جنبش اجتماعی به شمار می آید یا خیر؟

در همان مرحله نخست بررسی کتاب هایی که به جنبش اجتماعی پرداخته اند، متوجه می شویم که نویسندگان و صاحب نظران مختلف، تعاریف و تعبیر متفاوتی از جنبش اجتماعی ارائه داده اند، که پرداختن به همه آنها مجال دیگری را می طلبد. اما در اینجا تا اندازه ای، سعی شده مواردی از این تعاریف را بیان کرده و به کمک این تعاریف به سؤال فوق پاسخ داد. آنتونی گیدنز^۱ در تعریف جنبش اجتماعی چنین می گوید:

" جنبش اجتماعی را می توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تامین هدف مشترک، از طریق عمل جمعی [گروهی] خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد. از آنجا که میان انواع گوناگون جنبش تفاوت وجود دارد، این تعریف باید کلی باشد. بسیاری از جنبش های اجتماعی، خیلی کوچک هستند و شاید تعداد اعضای آنها بیش از چند نفر نباشند. جنبش های دیگری ممکن است هزاران یا حتی میلیون ها نفر را دربر گیرند. بعضی از جنبش ها در چارچوب قوانین اجتماعی فعالیت می کنند. بدیهی است اغلب در نتیجه عمل جنبش های اجتماعی قوانین تا اندازه ای یا کاملا تغییر می کنند." (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸-۶۷۹)

بلومر صاحب نظری دیگر، در مورد جنبش اجتماعی آورده است که:

^۱ -Anthony Giddens

" جنبش های اجتماعی را می توان به عنوان اقدامات گروهی در جهت ایجاد نظم جدیدی از زندگی در نظر گرفت. شروع این جنبش ها در یک شرایط آشوب و نا آرامی اتفاق می افتد؛ جنبش های اجتماعی قدرت محرکه ی خویش را از یک سو از نارضایتی از فرم رایج زندگی کسب می کنند و از سوی دیگر از خواسته ها و آرزوهایی برای ساختار جدید در زندگی" (Crossley , 2002 , P.3)

البته بسیاری از تحلیل گران جنبش های اجتماعی، نسبت به این عقیده که بین نارضایتی و پیدایش جنبش اجتماعی ارتباط مستقیمی است مشکوک هستند . زیرا این ارتباط ، خود به خود جنبش های اجتماعی و احزاب سیاسی و فعالیت های ایشان را در یک تعریف می گنجانند و این موضوع به تعریف صحیح و روشن از جنبش اجتماعی لطمه می زند .
دایانی^۱، چهار نقطه مشترک در تعریف دانشمندان مختلف یافته است که این چهار مورد را اینگونه برمی شمرد :

۱- یک جنبش اجتماعی شبکه ای از تعاملات غیررسمی و کنش های متقابل است.
۲- افراد فعال در یک جنبش اجتماعی دارای عقاید مشترک و همبستگی و یکپارچگی هستند.

۳- افراد فعال در جنبش اجتماعی دارای فعالیت های جمعی در موضوعات مورد نزاع هستند.

۴- عملکردها به طور آشکار خارج از حوزه سازمانی و نهادی است . اما دایانی شکل غیرنهادی و سازماندهی نشده عملکردها را به عنوان یک ویژگی خاص در تعریف جنبش های اجتماعی رد می کند؛ و در نهایت در تعریف جنبش های اجتماعی ، جنبش های اجتماعی را به عنوان « یک شبکه از تعاملات و کنش های متقابل غیررسمی بین تعدادی از افراد ، گروه ها یا سازمان هایی می داند ، که وارد یک نزاع سیاسی یا فرهنگی می شوند و تنها بر اساس یک هویت جمعی مشترک شکل می گیرند. » (Zahed , 2001 , p.37)

بعضی صاحب نظران در تعریف جنبش های اجتماعی، سعی کرده اند جنبش ها را در گروه های مختلفی طبقه بندی کنند . این طبقه بندی کمک می کند تا تعداد بیشتری از جنبش های اجتماعی را در یک تعریف خاص گنجانند . به طور مثال آنتونی گیدنز، سعی کرده در راستای ارائه تعریفی از جنبش اجتماعی ، آن را به چهار نوع مختلف تقسیم بندی کند . گیدنز یک نوع جنبش اجتماعی را به عنوان ، جنبش های دگرگون ساز معرفی می کند و در تعریف این جنبش می گوید : هدف این جنبش دگرگونی فراگیر در جامعه یا جوامعی است که خود بخشی از آن هستند . تغییراتی که اعضای این جنبش ها در پی آن هستند ؛ دگرگونی های سریع و عظیم ، جامع و فراگیر و غالباً خشن است . او نمونه این جنبش ها را ، جنبش های انقلابی ، یا بعضی جنبش های مذهبی رادیکال معرفی می کند .

¹ - Diani

یکی دیگر از انواع جنبش‌های اجتماعی که گیدنز در تبیین آن می‌کوشد؛ جنبش‌های اصلاح طلبانه است. گیدنز معتقد است که این گونه جنبش‌ها هدف‌هایی محدودتر دارند و می‌خواهند تنها برخی از جنبه‌های نظم اجتماعی موجود را تغییر دهند. این جنبش‌ها به انواع ویژه‌ای از نابرابری یا بی‌عدالتی در اجتماع توجه نشان می‌دهند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱-۸۰)

طبقه بندی دیگری در جنبش‌های اجتماعی، آنها را به جنبش‌های اجتماعی جدید و قدیم تقسیم‌بندی می‌کند و تفاوت‌هایی را برای هر یک از این دو نوع جنبش در نظر می‌گیرد.

جنبش‌های جدید، جنبش‌هایی مانند: جنبش‌های دانشجویی، جنبش‌های حقوقی مدنی، جنبش زنان، جنبش محیط زیست، جنبش صلح... است و جنبش‌های قدیمی مانند: جنبش‌های کارگری هستند. جنبش‌های جدید ویژگی‌هایی دارند که آنها را از جنبش‌های پیشین، متمایز می‌سازد. اما آلن اسکات تفاوت‌های بین جنبش‌های جدید و قدیم را در چهار مورد می‌داند، که اولین مورد آن جایگاه اتفاق افتادن این جنبش‌ها است. او معتقد است که جنبش‌های اجتماعی جدید در داخل اجتماع رخ می‌دهد. در صورتی که خاستگاه جنبش‌های قدیمی به طور فزاینده‌ای در سیاست قرار داشته است. دومین تمایز، در اهداف این جنبش‌ها خود را نشان می‌دهد؛ در حالی که جنبش‌های قدیمی عمدتاً اهداف سیاسی یا حقوق اقتصادی داشته‌اند؛ جنبش‌های اجتماعی جدید بیشتر در پی ایجاد تغییرات در ارزش‌ها و شیوه زندگی^۱، یا در پی حمایت از جامعه مدنی هستند. اما سومین مورد تفاوت در سازمان‌دهی موجود در این جنبش‌ها است. جنبش‌های پیشین دارای سازمان‌دهی رسمی بودند که دارای سلسله مراتب بود. در حالی که جنبش‌های نوین، بیشتر از شبکه‌ها و حتی مردم عامه و توده مردم، بدون هیچ سازمان‌دهی خاصی تشکیل شده‌اند. تفاوت چهارم در این جنبش‌ها وسیله عمل است. در جنبش‌های پیشین، بسیج سیاسی وسیله عمل محسوب می‌شده است؛ در حالی که در جنبش‌های جدید، نوآوری فرهنگی و عمل شخصی افراد و وسیله عمل است. (Scott, 1990, p. 19)

جنبش‌های جدید، از این جهت جدید محسوب می‌شوند که نتیجه ظهور در متن یک صورت‌بندی جدید اجتماعی هستند، به عبارت دیگر آنها جدید تلقی می‌شوند، چون که یک نمونه و نمایی از روابط اجتماعی و سیاسی جدید هستند. (بیدگلی، ۲۰۰۸: ۲) توراین^۲ معتقد است که جنبش‌های اجتماعی جدید نشانه‌ها و قاصدان تغییر از جامعه صنعتی به فرا صنعتی هستند. همچنین هابرماس نیز جنبش‌های جدید را فهمیده شده در متن تاریخ طولانی بهینه‌سازی در جوامع غربی معرفی می‌کند. (Scott, 1990, p. 15)

با بررسی این تعاریف که در پیرامون جنبش اجتماعی ارائه گردید می‌توان گفت که هر حرکت جمعی خود آگاه که در صدد ایجاد نظم جدیدی در جامعه باشد و هدف و خواست

¹ - Life style

² - Alain Touraine

جدیدی را مطرح سازد و در راستای رسیدن به هدف خود تلاشی را آغاز کند یک جنبش اجتماعی به شمار می آید .

همانطور که در بالا اشاره شد؛ جنبش زنان به عنوان یک جنبش اجتماعی جدید پذیرفته شده است . اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که با توجه به تفاوت فرهنگی کشورهای مسلمان ایران و مصر با کشورهای غربی و همچنین تفاوت عملکرد زنان فعال در جنبش زنان ایران و مصر نسبت به فمینیست های غربی، آیا تلاش زنان ایران و مصر در جهت کسب حقوق مساوی با مردان ، جنبش به شمار می آید یا خیر؟

آغاز ورود زنان به عرصه فعالیت های اجتماعی خارج از محیط خانه در ایران و مصر با تحولات اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم هم زمان گردید و این تحولات بستر مناسبی برای تغییر وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان شد . این برهه ی تاریخی درست زمانی بود که کشورهای خاورمیانه در پی آشنایی با تحولات ایجاد شده در غرب، در صدد ایجاد اصلاحاتی در جامعه خویش برآمدند . این تحولات در ایران با برپایی انقلاب مشروطیت و در مصر به دنبال تلاش برای کسب استقلال خود را نشان داد .

زنان در هر دو کشور در پی رسیدن به یک خودباوری ناشی از مشارکت در مبارزات سیاسی دوشادوش مردان هم وطن شان ، شروع به مطرح کردن درخواست های خویش در جهت کسب حقوقی برابر با مردان در جامعه کردند . به تدریج در صدد گسترش فعالیت های خویش برآمدند و اقدام به ایجاد سازمان ها و نهادها ویژه زنان، تأسیس نشریات و نوشتن مقاله و کتاب کردند و در جهت بسیج نیروها، تلاش خویش را آغاز کردند .

ایجاد سازمان ها و کانون های زنان ، قدم نخست در جهت سازمان دهی و بسیج نیروها بود . این عمل موجب شد تا اولین و مهم ترین قدم در یک جنبش اجتماعی، یعنی، عملکرد جمعی^۱ برداشته شود . اولین سازمان ویژه ی زنان که در ایران پا به عرصه وجود گذاشت ؛ انجمن حریت زنان بود . در این انجمن هم زنان و هم مردان عضو بودند . بسیاری از زنان سرشناس در جنبش زنان ایران، که بعدها در این جنبش فعالیت و تلاش بسیار داشتند ؛ عضو این انجمن بودند .

مورد دیگر از همین انجمن ها جمعیت نسوان وطن خواه بود . این انجمن از پرکارترین گروه های زنان بود ؛ که توان سازمان دهی ماهرانه ای از خود نشان می داد . محترم اسکندری، رهبر این انجمن ، نشست ها و تظاهرات متعددی را سازمان می داد و اقدام به جمع آوری نامه های سرگشاده و گرد آوردن گروه های زنان در مواقع لازم می کرد . او جلساتی ترتیب می داد تا گروه های زنان بتوانند با روحانیون به بحث و صحبت بپردازند و نارضایتی از بعضی مسائل موجود در جامعه را با ایشان در میان بگذارند . (ساناساریان ، ۱۳۸۴ : ۹۲)

از سوی دیگر همین جریان را در مصر شاهد هستیم که به مراتب از موفقیت و گستردگی بیشتری برخوردار بوده است . اولین انجمنی که به صورت وسیع و جدی در جهت کسب حقوق

^۱ -Collective Action

زنان، بویژه حق رأی زنان در مصر شروع به فعالیت کرد؛ «اتحادیه فمینیستی مصر» یا همان EFU (Egypt Feminist Union) بود.

اتحادیه فمینیستی مصر، زنان را برای تحصیل به اروپا می‌فرستاد؛ مدرسه برای دختران تأسیس می‌کرد. به زنان بیوه و فرزندان ایشان کمک مالی و خدماتی می‌کرد. در حرفه‌هایی چون آموزش خیاطی و فرش‌بافی، به زنان تعلیم می‌داد. این انجمن گاهی تظاهرات‌های خیابانی به راه می‌انداخت که حتی منجر به زندانی شدن بعضی از اعضاء آن می‌شد.

اتحادیه فمینیستی مصر و بعد از آن انجمن‌ها و سازمان‌های دیگر زنان در مصر در کنفرانس‌های مختلف بین‌المللی شرکت می‌کردند و گاهی خود اقدام به ایجاد کنفرانس‌هایی در جهت آگاه‌سازی زنان و آشنایی ایشان با حقوقشان، می‌کردند. بنابراین می‌توان گفت که زنان فعال در مبارزه برای کسب حقوق خویش در ایران و مصر توانسته‌اند به خوبی مبارزات خویش را سازمان‌دهی کنند، و در بسیج نیرو در بین زنان، موفق عمل کرده‌اند. اگر چه این بسیج نیرو هرگز منجر به شرکت گسترده و همه‌گیر زنان کشور در این جنبش نشد و تنها طیف کوچکی از زنان را شامل گردید.

موردی که باید به آن اشاره کرد؛ محدود شدن اینگونه فعالیت‌های زنان به اقشاری خاص است. جنبش زنان چه در ایران و چه در مصر، در ابتدا بین زنان تحصیل‌کرده و روشنفکر جامعه آغاز شد؛ که البته با در نظر گرفتن شرایط موجود در جامعه آن روزگار و محدودیت‌های موجود در جوامع مختلف خاورمیانه، این امر دور از ذهن نیست. شرایط موجود در این کشورها تحصیلات را منحصر به طبقات مرفه و بالای جامعه می‌کرد و اکثریت جامعه از امکان تحصیل محروم بودند. اگرچه گسترش شهرنشینی و مهاجرت مردم از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، که بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای خاورمیانه خاصه ایران و مصر زیاد شده بود، موجب گردید که تحصیلات به طبقات متوسط جامعه نیز رسوخ کند؛ اما هنوز طیف زیادی از جامعه را شامل نمی‌شد و شهرهای کوچک و روستاها از بسیاری از امکانات، از جمله آموزش به ویژه در مورد زنان محروم بودند.

این محدودیت امکانات موجب گردید که فعالیت‌ها و مبارزات زنان فعال در نهضت زنان گسترش چشمگیری پیدا نکند و حتی تا اواخر دهه هفتاد میلادی - دهه پنجاه شمسی، نیز نتواند گستره وسیعی از زنان جامعه را شامل شود، با این حال نمی‌توان ادعا کرد، که فعالیت این افراد فعالیت دستجمعی و گروهی نبوده است؛ اگرچه گسترش آن زیاد نبوده و گستره وسیعی از جامعه را در بر نمی‌گرفته است.

در ویژگی دوم، تعریف جنبش اجتماعی، به داشتن اهداف، ایده‌ها و ارزش‌های مشترک جدید، در بین فعالین در این جنبش اشاره شده است که با بررسی اساسنامه‌های انجمن‌های مختلف زنان در ایران و مصر؛ شاهد اهداف و ایده‌های مشترک زیادی هستیم که در اساسنامه این سازمان‌ها آورده شده است.